



کاش مدیران سازمان ها، شرکت ها، هلدینگ ها، کارخانجات فرماندهان پادگان ها، لشگرها و روسای وزارتخانه ها و هر جایی که نیروی انسانی در اختیار دارد

همچنان که دغدغه ی "انجام شدن کار" توسط کارگر یا نیروی خود را دارند، دغدغه ی "سلامتی روحی" او را نیز داشتند، بخصوص در این روزگار نابسامانی ها و بیماری های روحی...

کاش مدیران غافل نبودند که اصالت با "بدن" و سلامتی بدن نمی باشد بلکه اصالت با "روح" است و سلامتی روحی در اولویت است و همچنان که "سلامتی بدن" با رجوع به "طیب بدن" رخ می دهد، برای "سلامتی روحی" نیز رجوع به "طیب روح" نیاز است

در اکثر مراکز کاری چه نظامی چه غیر نظامی "طیب بدن" یافت می شود اما خبری از "طیب روح" نیست...

کارگران عزیز و زیر دستان مظلوم، حدود سی سال بهترین اوقات عمرشان را در بهترین ساعاتش یعنی صبح تا غروب،

در اختیار مدیرانشان هستند، آیا مدیران و فرماندهان بایستی به فکر "روح" آنان باشند؟!!

"بالادستی ها" شاید نتوانند به لحاظ مادی تمام خواسته های

زیردستان را بر آورده کنند، اما به لحاظ روحی چطور؟!!

"معقول و ملزوم" این است که در تمام مراکز کاری با

نیروی انسانی بالا، دفتر "طیب روح" یا همان

"مشاور سلامت روحی" دایر شود و یک طیب حاذق در

اختیار کارکنان و خانواده هایشان باشد...

در "تمدن نوین اسلامی" مدیر و فرمانده و کارفرما دغدغه ی

سلامتی روحی زیردستان خود را بایستی داشته باشد و گرنه

هرچند یقه اش را ببندد، محاسنش را بلند کند، تسبیحش را بچرخاند،

نمازش را طول بدهد و... بویی از "روح و باطن" اسلام نبرده است،
چرا که همچون "مدیران غربی" نیروی زیر دست را به سان
ماشین و رباتی نگاه می‌کند که فقط و فقط باید "کار" کند
در تمدن پوچ غرب نخست کار و انجام کار مهم است سپس نیرو
و سلامتی روح و بدنش، اما در تمدن فاخر اسلامی نخست نیرو
و سلامتی روح و بدنش اهمیت دارد سپس کار
"مدیر و فرمانده اسلامی" پیدا کردید، سلام برسانید...

